تأثیر عدم شرکت در کلاس قرائت

اینها فضاهایی بود که ذهن ما از آن دور بود. همین دیروز بود که در یکی از این کتابها دیدم. زمخشری را خیلی بالا برده بود. گفته بود عالم خبیر مفسر کذا؛ سرش می شده و بفهم بوده؛ وقتی آدم بفهمد آیا جرم است؟! گناه است؟! زمخشری میگویی علماء سنی به او حمله کردهاند که تو چرا میگویی قرائات سبع متواتر نیست؟! از علماء بزرگ اهلسنت که در تواتر قرائات سبع خدشه کرده، زمخشری است. علماء اهلسنت میگفتند که مطلب دست تو نیست. خیلی به او حرف زدند؛ گفتند کافری! تو داری کتاب الله را منکر میشوی. اینها را دارند. ابن جزری هم نظیرش را داشت. دیدم این آقا گفته زمخشری اهل عقل و فهم بود؛ میفهمید که اینها متواتر نیستند. آن علماء اهل سنتی که به او حمله کردهاند و او را به جهل نسبت دادهاند، آن ها نمیفهمیدند، آنها تعصب داشتند. ما هم همینطور بودیم. از اولی که شروع شد ذهنمان همینطور پیش میرفت. تا زمانیکه یک مقداری جلو رفتیم و با فضای اقراء آشنا شدیم؛ طبقات القراء مثل شهید اول و شهید ثانی کم نبودند که بگویند ما مینشینیم و جلسه تشکیل میدهیم و قرائات سبع را از استاد میشنویم و برای قرائت خاصه اجازه میگیریم. بعدی که اینها را دیدیم یک ذهنیتی حاصل شد. مثلاً از طحاوی یک عبارتی خواندم که از لحن عبارت گفتم این نباید مقری باشد. طحاوی امام در حدیث است و نزد اهلسنت خیلی بزرگ است. اما وقتی عبارت او را دیدم از لحنش معلوم است که در کلاس اقراء نبوده است. بعد رفتم شرح حالش و طبقات القراء را دیدم، دیدم که همینطور است. خیلی برایم جالب است. طحاوی امامٌ فی الحدیث و التفسیر اما امامٌ فی القراءه نبود. استاد قرائت نبود. کسی که استاد قرائت نیست اصلاً جوّ دستش نیست. وقتی که حرف میزند، آدم میفهمد که کلاس قراءت نرفته است. زمخشری هم همینطور بود. وقتی لحن زمخشری را دیدم گفتم بعید است که زمخشری کلاس قرائت رفته باشد. استاد ندیده است. در طبقات القراء رفتم و دیدم این همه کتاب نوشته اند. نه خودش در قرائات استاد دارد و نه شاگرد دارد. یعنی اصلا در طبقات القراء نیست. خب کسی که اینطور نیست از این حرفها هم میزند.

بازبینی #3
ایجاد شده 11 مارس 2024 17:26:02 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 مه 2024 15:29:49 توسط ... .